

نوع سوم مخاصمات مسلحانه

دکتر علی پورقصاب امیری^{**} - دکتر علیرضا زرقایی^{**}

چکیده

از آنجا که جنگ بین کشورها بزرگتر، وسیعتر و دارای تلفات انسانی بیشتری بوده است توجه جهانی به حقوق بشردوستانه سبب تدوین قواعد و مقرراتی شده است که بیشتر معطوف به جنگ بین کشورها بوده است. طراحان و بنیانگذاران حقوق بین الملل بشردوستانه همت خود را صرف تدوین مقرراتی برای حفظ جان انسانها، ابنیه نظامی و غیر نظامی، اموال فرهنگی و محیط زیست منطقه درگیر در جنگ نموده اند. ولی در قرون اخیر شکل جنگها تغییر پیدا کرده است. جنجوری هویت گروههای قومی و مذهبی، استقلال طلبی مردمان سرزمینهای تحت سلطه، نادیده گرفتن حقوق اولیه مردم تحت حاکمیت یک کشور توسط دولت، بروز شورش و اغتشاشات داخلی، و ... همزمان با پیشرفت فناوری تولید سلاحها سبب شده تلفات انسانی در جنگهایی که چهره‌ای داخلی به خود گرفته افزونی یابد. لذا حقوق بین الملل بشردوستانه در دهه‌های اخیر به سمت تدوین قواعدی برای این مخاصمات گرایش پیدا کرده است. با این حال قواعد و مقررات تدوین شده کلیه مخاصمات را پوشش نمی‌دهد. در این میان نوع سوم از مخاصمات مسلحانه بروز کرده که مغفول مانده است و آن مخاصمات داخلی هستند که به دلایل گوناگون به یک مخاصمه بین المللی تبدیل می‌شوند. هدف این نوشتار بررسی این گونه مخاصمات و پیشنهاد تفسیربندی جدیدی است که توجه جامعه جهانی را به وضع مقررات خاص برای این نوع سوم از مخاصمات جلب نماید.

کلید واژگان: جنگ، مخاصمه مسلحانه، خشونت، حقوق بشردوستانه

* دکتر علی پورقصاب امیری، استادیار حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان است.

aliamiri20@yahoo.com

** دکتر علیرضا زرقایی، دارای تحصیلات عالی حوزوی و دکترای پزشکی عمومی، لیسانس حقوق و فوق لیسانس

dr.zonghaie@gmail.com

حقوق بین الملل، نویسنده مسوول این مقاله است.

نوع سوم مخاصمات مسلحانه

علی پورقصاب امیری*

علیرضا زنقایی**

دیباچه

در سال ۱۸۵۹م، سپاهیان فرانسه و اتریش در سولفرینو، منطقه‌ای در شمال ایتالیا، به نبرد سختی پرداختند که در مدت کوتاهی سی و شش هزار نفر مجروح به جای گذاشت. مجروحان در صحنه‌ی نبرد در حال جان باختن بودند و کسی به کمک آنان نمی‌آمد و صحنه‌ی یرقت‌انگیزی به وجود آمده بود. در این حال، یک بازرگان جوان سوئسی به نام «هانری دونان» اندکی پس از نبرد، به منطقه‌ی جنگ وارد شد و خسارات و تلفات جنگ را مشاهده کرد. این صحنه‌ها، او را کاملاً تحت تأثیر قرارداد. وی به کمک افراد محلی، یک حرکت امدادی اولیه را برای نجات مجروحان در میدان جنگ سامان داد و به کمک آنان شتافت.^۱

* دکتر علی پورقصاب امیری، استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان است.

aliamiri20@yahoo.com

** دکتر علیرضا زنقایی، دارای تحصیلات عالی حوزوی و دکترای پزشکی عمومی، لیسانس حقوق و فوق لیسانس حقوق بین‌الملل، نویسنده مسوول این مقاله است.

dr.zonghaie@gmail.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال سیزدهم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۰-۱

هنری دونان در کتاب «خاطرات سولفورینو» مقابله با آلام ناشی از جنگ‌ها و کاهش اثرات جنگ و خشونت و حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه دو پیشنهاد اساسی ارائه کرد:

۱. در همه کشورها جمعیت‌های ملی داوطلب برای کمک به قربانیان بر اساس اصول بی‌طرفی و بی‌غرضی تأسیس گردد.
۲. کشورهای جهان اصول تخلف‌ناپذیر بشردوستانه را برای رعایت معیارهای انسانی در خلال جنگ‌ها به تصویب برسانند.^۲

پیشنهاد اول هانری دونان به تأسیس صلیب سرخ و هلال‌احمر جهانی در ۱۷ فوریه ۱۸۶۳ انجامید و پیشنهاد دوم وی به تصویب اولین کنوانسیون ژنو در اوت ۱۸۶۴ م باهدف بهبود شرایط مجروحان نظامی در جنگ توسط نمایندگان شانزده کشور منجر گردید.^۳

توجه جهانی به مسئله حقوق بشردوستانه برای اولین بار در سال ۱۸۶۴ م اتفاق افتاد. در آن سال نخستین کنوانسیون ژنو درباره ساماندهی جنگ‌ها و بهبود شرایط مجروحان نیروهای مسلح، در میدان نبرد تصویب و ترویج شد.^۴

اندیشه اجرای مقررات ناظر بر رفتار انسانی در جنگ ابتدا به پیدایش رشته‌ای به نام حقوق جنگ منجر شد. حقوق جنگ که در ظاهر مفهومی متضاد به نظر می‌رسید جای خود را به رشته‌ای تحت عنوان حقوق بشردوستانه داد. تعاریف متعددی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی بیان شده است.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی مجموعه قواعدی است که ناظر بر حمایت از برخی گروه‌ها، اشخاص و اموال بوده و حمله علیه آن‌ها را چه در زمان صلح و چه در زمان درگیری‌های مسلحانه، خواه از نوع بین‌المللی و خواه غیر بین‌المللی، منع می‌کند.^۵

طراحان حقوق بشردوستانه به گونه‌ای آن را تنظیم کرده‌اند که بیشترین حمایت را از انسان‌ها در جنگ به عمل آورد. برای این منظور در طراحی خود، از سیاست پرهیز از جانب‌داری پیروی کرده‌اند؛ یعنی بدون در نظر گرفتن طرف مقصر در جنگ و بدون توجه به حق یا باطل بودن عملیات جنگی هر طرف، قوانین خود را به‌طور مطلق، برای دو طرف جنگ، لازم‌الاجرا دانسته‌اند.^۶

حقوق بشردوستانه در پی کم کردن این آسیب‌ها و دفاع از حقوق ستمدیدگان جنگ

است. کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن مقرراتی هستند که رعایت آن‌ها، اگرچه از وقوع جنگ جلوگیری نمی‌کنند، اما دردها و آسیب‌های انسانی را از طرفین مخاصمه می‌کاهند.^۷

شکوفایی حقوق جنگ به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. بعد از این جنگ بود که سازمان ملل متحد تشکیل شد و **کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو** که مشتمل بر ۶۰۰ ماده است به تصویب رسید.^۸

مخاصمات بین‌المللی

قبل از تدوین حقوق در جنگ که بعد به حقوق بشردوستانه تغییر نام داد عمده جنگها بین کشورها روی می‌داده است و با توجه به توان کشورها تلفات از نظر تعداد انسانها و ادوات درگیر، طول زمان مخاصمه و ... آسیبهای قابل توجهی به کشورها وارد می‌شده است. لذا طراحان حقوق بشردوستانه عمده همت خود را مصروف قاعده‌مند کردن مخاصمات بین‌المللی کرده‌اند.

حقوق بشردوستانه دارای دو منبع قراردادی و عرفی است که در زمان جنگ اعمال می‌گردد:

الف - منابع عرفی حقوق بشر دوستانه

منابع عرفی حقوق بشر دوستانه همانعرف‌های جنگی است که برخیریشه آن را در اولین تمدن‌های بشری می‌دانند، جوهره آن در اراده انسان برای ایجاد یک مجموعه مقررات راهبردی درخصوص رفتار شرافتمندانه رزمندگان و لزوم احترام به غیر نظامیان است. تکرار چنین رفتارهای توأم با حسن نیت ازسوی همه سبب ایجاد عرف‌های بشر دوستانه گردیده‌است؛ عرف‌هایی که ناشی از اعتقاد عمومی به الزامی بودن آن می‌باشد.

ب - منابع قراردادی

منابع قراردادی حقوق بشردوستانه در یک تقسیم‌بندی به دو بخش قابل تقسیم هستند:

۱- مقرراتی که تنظیم‌کننده رفتارمتخاصمین‌اند (حقوق لاهه)

۲- مقرراتی که حامی قربانیان مخاصمات مسلحانه‌اند (حقوق ژنو).

حقوق لاهه

تدوین حقوق لاهه مدیون تصویب دوقانون، یکی در سطح داخلی و دیگری اعلامیه‌ای بین‌المللی، است. قانون لیبر که در ۱۸۶۳ در جریان جنگ داخلی آمریکا صادر شد حاوی قواعد مفصلی در خصوص جنگ زمینی است. و اعلامیه سن پترزبورگ که در سال ۱۸۶۸ تصویب شد؛ دولت‌های تصویب کننده این اعلامیه اعلام کردند که تنها هدف مشروع نظامیتضعیف نیروهای نظامی دشمن است و استفاده از سلاحی که تأثیری بیش از این بر دشمن دارد غیرضروری و ممنوع است.

تحوّل اساسی حقوق لاهه با تشکیل فراهم‌ایی (کنفرانس) اول صلح لاهه رویداد. این فراهم‌ایی (اجلاس) در سال ۱۸۹۹ برگزار شد و در آن قوانین و عرف‌های جنگ زمینی به انضمام مقررات جنگ زمینی تصویب شد. فراهم‌ایی دو مصلح لاهه در ۱۹۰۷ تشکیل شد و اهم تلاش خود را صرف تدوین قوانین جنگ دریایی و پیش‌بینی دادگاه بین‌المللی غنائم کرد.^۹ طبق حقوق لاهه، متخصصین حق نامحدودی در استفاده از وسایل جنگی و شیوه‌های نبرد ندارند و مکلف‌اند از به‌کارگیری تسلیحاتی که آسیب بیش از حد و بدون تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان وارد می‌کند اجتناب کنند. «حقوق لاهه» به‌رغم داشتن مواد ضروری برای رسیدگی به روابط میان اشغالگران و ساکنان سرزمین‌های اشغالی، از ضمانت اجرایی کافی برای تضمین حمایت لازم از غیرنظامیان برخوردار نبوده است.^{۱۰}

مجموعه مقرراتی که عموماً در شهر لاهه تنظیم شدند و هدفشان محدود کردن حق دولت‌ها در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی بود. نمونه این اسناد معاهدات مصوب ۱۸۹۹ و ۱۹۰۸ لاهه هستند. در چارچوب حقوق لاهه جنگ هنوز به عنوان یکی از ابزارهای پیشبرد منافع ملی در حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار می‌گرفت.

حقوق ژنو

چهارکنوانسیون ژنو در ۱۹۴۹ و دو پروتکل ۱۹۷۷ بود که حقوق ژنو را تشکیل می‌دهد این کنوانسیون‌ها عبارت‌اند از:

۱- کنوانسیون مربوط به وضعیت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح؛

۲- کنوانسیون مربوط به وضعیت غریقان (کشتی شکستگان) نیروهای مسلح (دردریا)؛

۳- کنوانسیون مربوط به وضعیت اسرای جنگی؛

۴- کنوانسیون مربوط به غیرنظامیان.

در عین حال پروتکل‌های ۱۹۷۷ تحت عنوان پروتکل شماره یک در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل شماره دو تحت عنوان حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه داخلی، نیز باهدف تکمیل کنوانسیون‌های ژنو به آن‌ها ملحق گردید.^{۱۱} مجموعه مقرراتی که عموماً در شهر ژنو تنظیم شدند و هدفشان حمایت از افرادی بود که در درگیری‌های مسلحانه شرکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری‌ها پایان داده‌اند. مهم‌ترین این اسناد، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ هستند. در حقوق ژنو جنگ (تهدید یا کاربرد زور) بر اساس منشور ملل متحد اصولاً نامشروع تلقی گشت و تنها استثناء وارد بر این عدم مشروعیت دفاع مشروع فردی یا جمعی محسوب شد اما با تدوین پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ که هم‌زمان هر دوگونه مقررات را در خود جای دادند، این تفکیک از میان رفت.^{۱۳۱۲} مهم‌ترین معاهدات حقوق بشردوستانه بین‌المللی عبارت‌اند از:

۱۸۶۸: اعلامیه سن پترزبورگ

۱۸۹۹: کنوانسیون لاهه در مورد رعایت قوانین و عرف‌های جنگ زمینی و تطبیق اصول

کنوانسیون ژنو مصوب ۱۸۶۴ بر جنگ‌های دریایی

۱۹۰۷: کنوانسیون لاهه برای بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه

۱۹۲۵: پروتکل ژنو در مورد منع کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازهای مشابه و روش‌های باکتریولوژیک در جنگ

۱۹۲۹: کنوانسیون ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی

۱۹۴۹: کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، شامل: ۱- بهبود شرایط مجروحان و بیماران نیروهای

مسلح در میدان نبرد؛ ۲- بهبود شرایط مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان نیروهای

مسلح در دریا؛ ۳- رفتار با اسرای جنگی؛ ۴- حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ.

۱۹۵۴: کنوانسیون لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه؛

۱۹۷۷: پروتکل اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ برای حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی.

۱۹۸۰: کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاح‌های خاص معاهده‌ای.

۱۹۹۳: کنوانسیون منع تکمیل، تولید، ذخیره‌سازی و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نابودسازی آن‌ها.

۱۹۹۸: اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.

۲۰۰۰: پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد کودکان سرباز^{۱۴}

مداخله بشردوستانه فی‌نفسه زمانی در چارچوب مباحث حقوق بشردوستانه قرار می‌گیرد که اقدامات مسلحانه برای حمایت از حقوق بشردوستانه باشد، شورای امنیت به‌دفعات به مسئله مداخله بشردوستانه و حقوق بشردوستانه پرداخته است. از

قطعنامه ۷۹۴ (۱۹۹۲) در قضیه جنگ داخلی سومالی،

مناطق امن و پرواز ممنوع در رواندا و بوسنی هرزگوین در منطقه مخاصمات،

قطعنامه ۶۸۸ (۱۹۹۱) شرایط کمک‌های انساندوستانه به کردها و شیعیان

قطعنامه ۱۵۶۴ (۲۰۰۴) در رابطه با دارفور سودان،

قطعنامه ۱۷۰۱ (۲۰۰۶) اقدامات فوری برای ارائه کمک‌های مالی و انسان دوستانه به مردم لبنان،^{۱۵}

مخاصمات داخلی

فزونی شمار این مخاصمات که شرنگ نیستی به جان هزاران انسان ریخته‌اند نیاز چندانی به اثبات ندارد. در واقع بیشتر مخاصمات دوره اخیر به طور عمده جنبه داخلی داشته‌اند. کافی است نگاهی به نام بعضی کشورهای دستخوش جنگ داخلی بیندازیم آنگولا، غنا، نیجریه، کنگو، الجزایر، نامیبیا، سیرالئون، بروندي، سودان، لیبیا، رواندا، سومالی، اوگاندا، ساحل عاج، یوگوسلاوی سابق، نیکاراگوآ، السالوادور، کلمبیا، گواتمالا، هائیتی، فیلیپین، سریلانکا، روسیه، لبنان، آذربایجان، ترکیه، تاجیکستان، اندونزی، نپال، عراق، کامبوج، یمن، سوریه، افغانستان^{۱۶} از جمله کشورهایی هستند که درگیر جنگ داخلی بوده‌اند. در برخی از این کشورها مانند عراق، افغانستان، یمن و ... عناصر بین‌المللی نیز به وضوح قابل ردیابی بوده‌اند.

نخستین بار صلیب سرخ آمریکا در کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در ۱۹۱۲ که در واشنگتن برگزار شد پیش‌نویس کنوانسیون را ارائه کرد که منحصراً اختصاص به مخاصمات مسلحانه داخلی داشت. بعضی دولت‌ها ارابه چنین طرحی را بیش از توقع دانستند از جمله روسیه تزاری که هیچ‌مایل نبود تعهداتی نسبت به شورشیانی بپذیرد که جنایت کارشان می‌خواند. در نتیجه پیش‌نویس مربوط حتی به بحث نیز گذارده نشد. بعد از پیروزی انقلاب اکتبر مقامات حکومت انقلابی بلشویکها ضمن اعلام تعهد به مقررات کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو در مواجهه با روس‌های سفید که به حکومت تزاری وفادار مانده و در حال جنگ با بلشویکها بودند به صلیب سرخ روسیه اجازه دادند تا به فعالیتهای انسان دوستانه به نفع هر دو طرف مخاصمه ادامه دهد. موضع آشتی‌جویانه روسیه مایه تشویق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ شد تا برای تدوین اصول راهنمایی که به هنگام جنگهای داخلی به کار جمعیت‌های ملی صلیب سرخ اقدام نماید. این اصول کلی در قطعنامه شماره ۱۴ گنجانیده شد که با عنوان «جنگ داخلی» به تصویب دهمین کنفرانس در ۱۹۲۱ رسید.^{۱۷}

حمایت از انسان و حقوق انسانی او به عنوان یکی از اصولی حیات نوین بین‌المللی موجب شد تا تحولی محسوس در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به وجود آید و در هفدهمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در استکهلم به سال ۱۹۴۸ که برای تحقق چنین هدفی برگزار شد سرانجام دولت‌ها پذیرفتند مقرراتی را هم برای مخاصمات مسلحانه داخلی وضع کنند.^{۱۸} در حال حاضر حقوق عهدنامه‌ای حاکم بر مخاصمات مسلحانه داخلی محدود است به ماده ۳ مشترک بین کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم الحاقی به این کنوانسیون‌ها مصوب ژوئن ۱۹۷۷ که مصوب کنفرانس دیپلماتیکی است که از ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۷ در ژنو تشکیل شد.

متن ماده ۳

«چنانچه مخاصمه جنبه بین‌المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دولت‌های معظم متعاهد روی دهد هر یک از طرفهای مخاصمه مکلف است که لاقلاً مقررات زیر را اجرا نماید:

۱. با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند شامل افراد نیروهای مسلح که اسلحه بر زمین گذاشته‌اند و کسانی که به علت بیماری، زخم یا بازداشت و یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچ تبعیض نامطلوب ناشی از نژاد، رنگ، مذهب، عقیده، اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن با اصول انسانیت رفتار شود. اعمال زیر در مورد اشخاص مذکور در هر زمان و مکان ممنوع است و خواهد بود.

الف) لطمه به حیات یا تمامیت جسمانی از جمله قتل به تمام اشکال آن، زخم زدن، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه و آزار

ب) اخذ گروگان

پ) لطمه به حیثیت اشخاص به خصوص تحقیر و تخفیف.

ت) محکومیت و اعدام بدون حکم دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضایی باشد که ملل متمدن ضروری می‌دانند

۲- مجروحان (زخم داران) و بیماران باید جمع آوری گردند.

یک دستگاه نوع پروری بی‌طرف مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به طرفهای مخاصمه عرضه دارد.

گذشته از مراتب فوق طرفهای متخاصم سعی خواهند نمود تمام یا قسمتی از سایر مقررات این کنوانسیون را از طریق موافقت نامه‌های مخصوص به اجرا گذارند.^{۱۹}

اجرای مقررات فوق اثری در وضع حقوقی متخاصمان نخواهد داشت» این را باید با تاسف گفت که در هر دو نوبت یعنی چه در کنفرانس ۱۹۴۹ و چه در ۷۷-۱۹۷۴ مخالفت بیش از حد دولتها با تدوین مقررات مربوط به مخاصمات داخلی سبب شد تا مقررات معیوب بسیار ناقص و ابتدایی از کار درآیند و عموماً در حدی فروتر از حقوق عرفی قرار گیرند.^{۲۰}

در کنفرانس ۱۹۴۹ که به منظور اصلاح و تکمیل حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر اساس تجارب بدست آمده از جنگ جهانی دوم تشکیل شد مخاصمات مسلحانه داخلی یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات بود و مجادلات بسیاری را برانگیخت این مجادلات بی‌جهت

نمود و تقریباً بر همه روشن بود^۱ که از این پس جهان شاهد چنین مناصماتی خواهد بود. در واقع پس از پایان جنگ جهانی دوم خیلی زود دانسته شد که شمار جنگهای بین‌المللی کمتر و کمتر خواهد شد و جنگ داخلی بیش و بیشتر. به همین دلیل بود که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دیگر بار از فرصت بهره جست و موضوع بسط حقوق بشردوستانه بر مناصمات داخلی را مطرح کرد^{۲۱}.

بی‌هیچ شبهه رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوآ تاثیر فوق‌العاده‌ای در تایید محتوای عرفی ماده ۳ بر جای گذارد. در رای ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ دیوان به منظور ارزیابی رفتار ایالات متحده نسبت به رعایت اصول کلی مبنایی حقوق بشردوستانه که «کنوانسیونهای ژنو از برخی جهات توسعه و تحول آن و از جهات دیگر صرفاً بیان‌کننده آن هستند» اعلام کرد که مقررات ماده ۳ مشترک قابل اجرا در مناصمات مسلحانه داخلی حداقلی از مقررات بشردوستانه را تشکیل می‌دهند که این حداقل در مناصمات مسلحانه بین‌المللی نیز باید رعایت شود. این حداقل همان ملاحظات ابتدایی انسانی است که دیوان قبلاً در قضیه کورفو ضرورت رعایت آن را احراز و یادآوری کرده بود.^{۲۲}

باید به خاطر داشت که حقوق مذکور در این ماده (ماده ۳) همان حقوقی هستند که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ ذکر شده‌اند. شکی نیست که این حقوق در میان دسته بندی مرسوم آشکارا جزء قواعد آمره حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند.^{۲۳}

۱. دلیل بروز جنگهای داخلی جستجوی هویت گروههای قومی و مذهبی، استقلال‌طلبی مردمان سرزمین‌های تحت‌سلطه، نادیده گرفتن حقوق اولیه مردم تحت حاکمیت یک کشور توسط دولت و... است. در بعضی منابع ذکر شده که از ۲۱۱ کشور ۱۱۳ کشور بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۵ از سلطه استعمار رهایی یافته‌اند که ۹۴ کشور آنها جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند.

جهت مطالعه بیشتر

Development and principles of international humanitarian law Jean Pictet
 The Causes of Civil War
www.doingbusiness.org/Features/~//media/FPDKM/Doing%20Business/Documents/Miscellaneous/TBD/Causes-of-Civil-Wars.pdf
 The Incidence of Civil War: Theory and Evidence
www.econ.nyu.edu/user/debraj/Courses/Readings/BlattmanMiguel.pdf
www.econ.nyu.edu/user/debraj/Courses/Readings/BlattmanMiguel.pdf Civil War

دادگاه کیفری یوگوسلاوی سابق با احصای چند نمونه از مخاصمات داخلی که طرفهای آن از همین آیین پیروی کرده‌اند یا موارد که متخاصمان به صورت یک جانبه خود را متعهد به رعایت حقوق بشردوستانه کرده‌اند «رعایت عرفی اصول بنیادین» را نتیجه می‌گیرد.^{۲۴} کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در پی کاستن از دوگانگی قواعد حاکم بر دو دسته مخاصمات بود چرا که هدف هر دو حمایت از انسانها در کشاکش درگیری‌هاست و بنا به تعبیری «خون همیشه و در همه جا به یک رنگ است»^{۲۵}

گر چه میتوان گفت پروتکل دوم گامی بسیار مهم و اساسی در مسیر تحول و تکامل حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی به شمار می‌آید، اما هنوز نیازمند اهتمام بیشتر و پرداختن به تدوین مقررات برای ارتقاء بازدارندگی از آسیب به غیرنظامیان و حفاظت از ابنیه و اموال فرهنگی. و... می‌باشد.

طبق پروتکل دوم الحاقی دو معیار برای شمول مخاصمه معین شده است طبق ماده ۱ پروتکل باید این دو شرط حاصل باشد

۱. نیروی مخالف بر بخشی از سرزمین مسلط شده باشد به صورتی که بتوانند عملیات نظامی را مداوم و متمرکز انجام دهند.

۲. نیروی مخالف قادر به اجرای پروتکل باشد.^{۲۶}

دولتها حاضر به اعتراف به تسلط شورشیان بر قسمتی از خاک کشور نیستند چون حاکمیت موثر دولت بر کل سرزمینش را زیر سؤال می‌برد.^{۲۷}

در رعایت حقوق انسانها، توجه به شخصیت آنان و حمایت و رفتار بر اساس موازین انسانی با آنها فرقی بین جنگ‌های با ماهیت بین‌المللی یا داخلی نیست.^{۲۸}

اما نهایتاً ماده یک پروتکل الحاقی دوم تعریفی از مخاصمات مسلحانه داخلی ارائه نمود که این تعریف مانع نبوده و کاستی‌هایی را به همراه دارد. و دقیقاً در جهت رفع همین کاستی‌ها دیوان یوگوسلاوی سابق، در رای مشهور ۷ اکتبر ۱۹۹۵ در قضیه تادیچ به چاره‌جویی برخاست و معیارهای جدیدی را در تعریف مخاصمات مسلحانه داخلی بیان نمود. البته همین تعریف در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ مقرر شده است. «منازعات مسلحانه داخلی را منازعات مسلحانه طولانی مدت میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان یافته یا بین چنین گروه‌هایی در خاک یک دولت می‌داند»^{۲۹}

بیشتر مخاصمات مسلحانه در قرن بیستم به شکل جنگ داخلی بوده است. علل بروز این جنگ‌ها زمانی ایدئولوژیک و به قصد مبارزه برای کسب استقلال بوده و امروزه جنبه مذهبی و قومی داشته و در جهت کسب هویت است. مضافاً این که، اکثر این مخاصمات با نقض گسترده حقوق بین‌الملل بشردوستانه همراه بوده و قواعد و اصول اولیه آن به دست فراموشی سپرده شده است.^{۳۰} در مخاصمات غیربین‌المللی فقط ماده ۳ مشترک چهار کنوانسیون ژنو است که نسبت بدیشان قابل اعمال است.^{۳۱}

طبق پروتکل اول، مصوب ژوئن سال ۱۹۷۷، جنگ‌های آزادی بخش ملی، بایستی به مثابه‌ی یک درگیری بین‌المللی در نظر گرفته شوند.^{۳۲}

علیرغم برخورداری از مقررات این بخش از حقوق معاهدات مع‌هذا مقررات مزبور قادر نبوده بخش بزرگی از مخاصمات مسلحانه امروزی را با جزئیات کافی به رشته تدوین درآورد و دلیل این امر آن است که اکثر مخاصمات جاری، درگیری مسلحانه غیربین‌المللی هستند، هرچند که شمار آنها رو به افزایش است اما در مقایسه با مخاصمات بین‌المللی، تعداد خیلی کمی از قواعد معاهداتی نسبت به این گونه مخاصمات اعمال می‌گردد. در واقع تعداد محدودی از معاهدات نسبت به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی اعمال می‌گردند.^{۳۳} زیرا همه کشورها پروتکل دوم را امضاء نکرده‌اند ثانیاً، اغلب کشورها چنین جنگ‌هایی را در صلاحیت ملی خود و تحت قوانین داخلی تحلیل کرده و تمایلی به جلب مشارکت بین‌المللی در این خصوص ندارند.

درگیری مسلحانه غیربین‌المللی در حقوق معاهدات از فقد قواعد، تعاریف، جزئیات و شرایط کافی رنج می‌برد. پروتکل الحاقی دوم فقط شامل مقررات بسیار مقدماتی در خصوص هدایت مخاصمات است.^{۳۴}

مخاصمات داخلی که بین‌المللی می‌شوند

اکنون به بررسی چند مورد از مخاصمات داخلی که به ورود کشورهای دیگر و تبدیل آن‌به یک مخاصمه بین‌المللی منجر شده است می‌پردازیم:

۱- کوزوو

تیتو رهبر یوگسلاوی سابق با پیاده کردن طرح تمرکز زدایی توانست برای اقلیت مسلمان آلبانیایی تبار کوزوو آزادی قابل توجه‌ای فراهم آورد. در سال ۱۹۷۴ نوعی خودمختاری به ایالت کوزوو اعطا نمود.^{۳۵}

پس از فروپاشی شوروی و لغو پیمان ورشو ساختار اروپا تغییر پیدا کرد و ثبات یوگسلاوی به چالش کشیده شد. غرب با کشورهای کرواسی و اسلوونی که به سمت دمکراسی حرکت کرده بودند تشکیل اتحاد داد. در حالی که درگیریهای جدایی طلبانه یوگسلاوی ادامه پیدا می‌کرد.^{۳۶}

درگیریهای پراکنده از سال ۱۹۸۰ بعد از فوت تیتو تا ۱۹۹۰ سبب شد خودمختاری نسبی اعطا شده به مسلمانان کوزوو لغو گردد. لغو این آزادیها مسلمانان کوزوو را برآن داشت تا نسبت به تاسیس یک جمهوری مسلمان‌نشین اقدام نمایند که با عکس العمل بسیار شدید صرب‌ها مواجه شد. این مخالفتها مسلمانان را ناامید از تشکیل دولت مستقل نکرد و در نتیجه ارتش آزادیبخش کوزوو در سال ۱۹۹۶ اقدام به تاسیس یک جمهوری مستقل نمود.^{۳۷} پس از اعلام استقلال کوزوو در ۱۷ فوریه ۲۰۰۸ ویسنر* موضع آمریکا را در قبال این مسئله اعلام کرد. وی اعلام داشت مسئله کوزوو برای واشینگتن از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که ایالات متحده نیز مسئولیتهایی در رابطه با امنیت اروپا بر عهده دارد.^{۳۸} اعلام استقلال کوزوو سرآغاز مخاصماتی دهشت‌انگیز است که کشورهای اروپایی موسوم به گروه تماس را وادار به انجام مذاکراتی با مقامات بلگراد می‌نماید که نتیجه‌ای در بر ندارد.

در سال ۱۹۹۸ هجوم صربستان برای اجرای سیاستهای پاکسازی نژادی در کوزوو آغاز شد و حملات ارتش صرب به قدری قدرت گرفت که بیش از یک میلیون نفر از جمعیت کمتر از دو میلیونی کوزوو آواره شدند و نیروهای ناتو حمله نظامی را علیه نیروهای صربستان ترتیب داد.^{۳۹}

*رابرت ویسنر، مذاکره کننده آمریکا در کوزوو

عدم توجه مقامات بلگراد به دو قطعنامه شماره ۱۱۶۰ و ۱۱۹۹ و ادامه فجایع انسانی ناتو به مقامات بلگراد در ۱۳ اکتبر ۱۹۹۸ و لیتیماتوم می‌دهد و اعلام می‌دارد چنانچه بلگراد به قطعنامه‌های شورای امنیت عمل نکند متوسل به زور خواهد شد. ژوئن ۱۹۹۹ ناتو با استفاده از قوای نظامی نیروهای صرب را وادار به خروج از کوزوو می‌کند. پس از آن‌که در ۱۰ ژانویه ۱۹۹۹ قطعنامه شماره ۱۲۴۴ شورای امنیت اداره کوزوو زیر نظر جامعه بین‌المللی به تصویب می‌رساند. (البته مشروعیت مداخله ناتو در کوزوو از نظر حقوق بین‌الملل مورد ابهام است).

۲- عراق

عراق در دوران صدام حسین با آتش افروزی دو جنگ را علیه کشورهای همسایه آغاز نموده است. جنگ ۸ ساله تحمیلی بر ایران که با کمک و همکاری ابرقدرتها برای تغییر رژیم در ایران دنبال می‌شد به دلیل مقاومت مردم به تن دادن صدام به صلح به پایان رسید. جنگ دوم عراق با حمله به کویت آن را اشغال نمود که به دلیل قدرت ضعیف نظامی و جمعیت کم کشور کویت قادر به مقابله به مثل و پایداری در برابر عراق نبود، مضافاً بر این که منافع کشورهای آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی در خطر قرار می‌گرفت و راستای اهداف آنان تضاد آشکار داشت. در مورد دوم این کشورها با توسل به شورای امنیت و صدور قطعنامه به مقابله با تهاجم نظامی عراق پرداخته و به اشغال کشور کویت پایان دادند. ابتدا گفته می‌شد هدف از تهدید به استفاده از زور در خاورمیانه ترغیب و تشویق عراق به همکاری با سازمان ملل است. بعد که عملاً به عراق حمله شد گفته شد که هدف از استفاده علنی از زور علیه عراق، اجبار و وادار کردن آن کشور است که به تعهد خود به خلع سلاح که در جریان جنگ کویت پذیرفته بود عمل نماید. و بالاخره ادعا شد که مقصود از این عملیات نظامی و حمله به عراق سرنگونی دولت عراق بوده است.^{۴۰}

به دنبال آن عراق با شورش کردها و شیعیان که از جنگ‌افروزیهای و ستم صدام به تنگ آمده بودند مواجه گردید. این بار آمریکا و هم‌پیمانانش با توسل به حقوق بشردوستانه و دفاع از حقوق بشر با استفاده از نیروی نظامی به کردها و شیعیان کمک نمودند. نخستین مورد از مداخله بشردوستانه در دوره پس از جنگ سرد به مداخله آمریکا،

فرانسه و بریتانیا در شمال عراق مربوط می‌شود. به دنبال شکست عراق از ائتلاف تحت رهبری آمریکا و سرکوب گسترده کردها و شیعیان از جانب حکومت آن کشور، شورا امنیت با تصویب قطعنامه ۶۸۸، دو عامل سرکوب مردم عراق و حرکت گسترده آوارگان به سنت مرزهای بین‌المللی را به عنوان «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» قلمداد کرد. هر چند در این قطعنامه اشاره صریح به کاربرد زور نشده بود اما کشورهای مداخله‌کننده اقدام خود را سازگار با قطعنامه مزبور و بر اساس اصل ضرورت انسانی آشکار توجیه کردند.^{۴۱}

قطعنامه ۶۸۸ که انگیزه صدور آن جلوگیری از سرکوب مردم پیاخاسته عراق توسط رژیم بعث و محکوم نمودن این رژیم بوده است دولت عراق را وادار می‌سازد تا از اقدامات ضد بشری خود هر چه زودتر دست بردارد و صلحو امنیت را به منطقه بازگرداند. اما تازگی این قطعنامه در آنجا است که به دولت عراق فشار می‌آورد تا هر گونه وسایل و امکانات را برای دسترسی و یاری به مردمی که در سراسر عراق هستند فراهم آورد. این تعهد که به دولت عراق تحمیل می‌شود سابقه حقوقی مهمی در آینده به شمار خواهد آمد زیرا سوای جنبه انسانی و بشردوستانه آن قطعنامه مذکور مجوزی برای مداخله در امور یک کشور صادر نموده است.^{۴۲}

۳- لیبی

قطعنامه‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۰، ۱۹۷۰ و ۲۰۰۹ شورای امنیت و حکم ماموریت ناتو مبنای حقوقی مداخله نظامی سازمان مزبور در لیبی قرار گرفت که از ۲۳ مارس ۲۰۱۱ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۱۱ به طول انجامید. بر اساس یکی از آمارهای منتشره ناتو مجموعاً ۱۹۵ هواپیما و ۱۸ کشتی متعلق به کشورهای عضو و غیر عضو ناتو در مداخله نظامی در لیبی در قالب عملیاتی موسوم به «عملیات حامی متحد» (Operation UNIFIED PROTECTOR) شرکت داشتند که هدف عملیات مزبور شامل اجرای تحریم تسلیحاتی، اجرای منطقه پرواز ممنوع و حمایت از غیر نظامیان بود که مورد اول گستره مناطق دریایی و دو مورد دیگر کل گستره سرزمینی لیبی را پوشش می‌داد.^{۴۳}

۴- سومالی

با سقوط محمد زیادباره در ۱۹۹۱ درگیری بین گروه‌ها و قبایل مختلف آغاز گردید و یه قول‌گری آندرسن تفنگ و غذا توامان به عنوان سلاح به کار گرفته می‌شدند و گرسنگی جان پنج میلیون نفر را تهدید می‌کرد.^{۴۴}

متعاقب جنگ داخلی و قحطی و خشکسالی در سومالی با تصویب قطعنامه ۷۹۴ به دول عضو اجازه داد تا با ایجاد محیطی امن برای عملیات بشردوستانه کمک‌رسانی از تمامی روشهای لازم استفاده کند. در مقدمه این قطعنامه وسعت تراژدی که منازعه و درگیری در سومالی ایجاد کرده است و توزیع کمکهای انسانی را دشوار ساخته به عنوان عامل تهدید صلح ذکر شده است. این نخستین باری بود که از فصل هفتم منشور ملل متحد برای تحقق اهداف انسانی در یک جنگ داخلی استفاده می‌شد.^{۴۵}

۵- بوسنی

با آغاز درگیریهای شدید داخلی در یوگسلاوی سابق دبیر کل سازمان ملل در مه ۱۹۹۲ با تشکیل یک نیروی حافظ صلح در بوسنی مخالفت کرد. پیامدهای انسانی جنگ از جمله تخریب روستاها و جابجایی افراد غیرنظامی ضرورت اقدام از طرف سازمان ملل را افزایش داد در نتیجه بر طبق قطعنامه ۷۷۶ مصوب ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۲ شورای امنیت ماموریت UNPROFOR* به بوسنی هم گسترش یافت. وظیفه اولیه این نیرو در بوسنی حمایت از تلاشهای کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد برای کمکهای انسانی در سراسر این جمهوری بود. با تشدید جنگ در بوسنی شرقی و بدتر شدن وضعیت انسانی مسلمانان شورای امنیت تصمیم گرفت تا شش شهر ساریوو، توزلا، ژپا، گوراژده، بیهاج و سربرنیتسکا را به عنوان مناطق امن اعلام نماید. ... و ارتش صربهای بوسنی و سایر واحدهای شبه نظامی نیز مجبور به عقب‌نشینی از این مناطق شدند تا این مناطق تحت نظارت سازمان ملل قرار گیرند. ... شورای امنیت همچنین در ۹ اکتبر ۱۹۹۲ بر اساس قطعنامه ۷۸۱ تصمیم به ایجاد یک منطقه «پرواز ممنوع» در فضای هوایی بوسنی گرفت.^{۴۶}

* United Nations Protection Force

شورای امنیت برای اهداف توزیع کمک انسانی و حفاظت از مناطق امن و پرواز ممنوع مجوز کاربرد زور را به دول عضو داد.^{۴۷}

۴- هاییتی

متعاقب سرنگونی حکومت منتخب شورای امنیت به دول عضو اجازه داد از طریق تمام شیوه‌های ضروری به برکناری رهبر نظامی و بازگشت رییس جمهور قانونی مبادرت کنند.

۵- رواندا

تا قبل از استقلال رواندا در سال ۱۹۸۲. حاکمیت اکثر هوتوها (Hutus) بر رواندا، اقلیت قومی توتسی (Tutsi) حکومت رواندا را در اختیار داشتند. در دوران انتقالی رواندا برای استقلال هوتوها علیه توتسی‌ها مبارزه مبارزه می‌کردند. در نتیجه شمار بسیاری از توتسی رواندا را به سوی کشورهای همسایه ترک کردند و از آنجا که به صورت متناوب حملاتی را علیه هوتوها برای کسب قدرت مجدد انجام می‌دادند این حملات سبب میشد که هوتوها از توتسی‌های باقیمانده در رواندا انتقام بگیرند. ... در ۶ آوریل ۱۹۹۴ هواپیمای حامل «جوونال هابی آریمانا» رییس جمهور هوتویی رواندا و «سپیرین نتاریامیرا» رییس جمهور بروندی در حال فرود آمدن در فرودگاه کیگالی پایتخت رواندا مورد اصابت موشک فرد یا افراد ناشناس قرار گرفت و سرنشینان آن کشته شدند. هوتوهای افراطی که عمدتاً متشکل از مردان طرفدار دولت وقت بودند حمله به هواپیمای حامل رییس جمهوری را به توتسی‌ها نسبت داده آن را اعلام جنگ قلمداد کردند. لذا تسویه حساب با اقلیت توتسی و مخالفان رژیم هوتو به صورت گسترده و سازمان یافته آغاز گردید.^{۴۸}

متعاقب درگیری شدید میان دو قبیله هوتو و توتسی و آغاز موج کشتارها و بی‌خانمانی و آوارگی گسترده و بی‌خانمانی مردم، شورای امنیت در قطعنامه ۹۲۹ اوضاع بحرانی آن کشور را تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه دانست و براساس فصل هفتم منشور به دول عضو اجازه داد که برای اقدامات بشردوستانه از همه شیوه‌های ضروری بهره جویند.^{۴۹}

دستاورد

موارد فوق نمونه‌هایی از مخاصمات داخلی است که تبدیل به مخاصمه بین‌المللی شده است و برای پرهیز از اطاله کلام برای اثبات نوع سوم از مخاصمات کافی به نظر می‌رسد در مورد تبدیل یک مخاصمه داخلی به مخاصمه بین‌المللی چند فرض متصور است: یکم: آن‌که دولت خواستار مداخله و دریافت کمک برای مقابله با مخالفین باشد. دوم: آن‌که شورشیان از دولتی درخواست مداخله نمایند. سوم: آن‌که دولت حاکم برای مقابله با طرف درگیر در مخاصمه از یک گروه مسلح کشور دیگر کمک بگیرد.

چهارم: آن‌که طرف مخاصم دولت از گروه مسلح کشور دیگری درخواست همکاری کند. در دو حالت درخواست از طرف مقامات رسمی است و در دو حالت دیگر به درخواست گروه شورشی مداخله صورت گرفته است.

که برای شمول تمام این موارد نیاز به قوانین و مقررات احساس می‌گردد. لذا پیشنهاد می‌گردد برای جلب توجه بیشتر به این نوع از مخاصمات و اهتمام تدوین حقوق بشردوستانه که حافظ حقوق انسانی در این نوع درگیریها باشد نوع سوم از مخاصمات به دو مورد قبلی اضافه گردد و تقسیم بندی جدید به صورت ذیل انجام پذیرد.

۱. مخاصمات بین‌المللی

۲. مخاصمات غیربین‌المللی (داخلی)

۳. مخاصمات غیربین‌المللی (داخلی) که منجر به مخاصمه بین‌المللی می‌گردد

بی‌نوشت‌ها:

۱. فیروزی مهدی، ۱۳۹۲ «حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه»، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بنیاد پژوهش‌های استان قدس رضوی، ص ۳۴۵.
۲. باقرزاده محمدرضا، ۱۳۹۲ «مبانی حقوق بشردوستانه در اسلام»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ص ۸۵.
۳. فیروزی مهدی، ۱۳۹۲ «حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه»، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بنیاد پژوهش‌های استان قدس رضوی، ص ۳۴۶.
۴. اللجنة الدولية للصليب الاحمر (۲۰۰۷م) تعرف على اللجنة الدولية للصليب الاحمر. قاهره: ص ۷.
۵. آقایی جنت مکان حسین، ۱۳۹۲ «قلمرو اجرای مکانی و زمانی حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ص ۲۰۹. به نقل از: دیهیم، علیرضا، ۱۳۸۰ «درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی (در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۵۹.
۶. علی اکبریان حسنعلی، ۱۳۹۲ «جهت‌داری در حقوق بشردوستانه»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ص ۳۳۸.
۷. همان
۸. باقرزاده محمدرضا، ۱۳۹۲ «مبانی حقوق بشردوستانه در اسلام»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ص ۸۳.
۹. رضاییان مهرداد، ۱۳۸۳ «حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوه هدایت مخاصمات مسلحانه، مجموعه کنوانسیون‌های لاهه و برخی اسناد بین‌المللی دیگر»، تهران، نشر سرسم، چاپاول، ص ۲۰ به بعد.
۱۰. الزمالي عامر، ۱۳۹۲ «اقتدار حمایت شده در حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ص ۶۳۲.
۱۱. روحانی علیرضا، ۱۳۹۲ «قواعد اساسی حقوق بشردوستانه و مقررات مربوط به اسیران جنگ در نظام بین‌المللی حقوق بشر دوستانه و اسلام»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، نشر میزان، ص ۵۷۴.
۱۲. یوسف‌وند محمود، ۱۳۹۲ «مبانی بکارگیری سلاح هسته‌ای و حقوق بشردوستانه محیط زیست»، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بنیاد پژوهش‌های استان قدس رضوی، ص ۳۰۴.

۱۳. فخار طوسی جواد ، ۱۳۹۲ «بشر دوستی ارزش ثابت یا دوگانه»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، تهران، نشر میزان، ص ۱۲۴.
۱۴. همان
۱۵. ضیائی بیگدلی محمد رضا، ۱۳۹۲ «توسعه و تحول حقوق بشر دوستانه در بستر رویه بین‌المللی معاصر»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، تهران، نشر میزان، ص ۶۶۴.
۱۶. ممتاز جمشید، رنجیریان امیرحسین، ۱۳۸۷ «مخاصمات مسلحانه داخلی»، نشر میزان، ص ۱۶.
۱۷. همان، ص ۳۰-۳۱.
۱۸. همان، ص ۳۶.
۱۹. متن کنوانسیون
۲۰. ممتاز جمشید، رنجیریان امیرحسین، ۱۳۸۷ «مخاصمات مسلحانه داخلی»، نشر میزان، ص ۳۷.
۲۱. همان، ص ۳۸.
۲۲. همان، ص ۴۲.
۲۳. همان، ص ۴۵.
۲۴. همان، ص ۴۷.
۲۵. ممتاز جمشید، رنجیریان امیرحسین، ۱۳۸۷ «مخاصمات مسلحانه داخلی»، نشر میزان، ص ۴۹.
۲۶. همان، ص ۸۳.
۲۷. همان، ص ۸۵.
۲۸. قربان‌نیا ناصر، ۱۳۸۷ «حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه». قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ص ۱۹۹.
۲۹. آقایی جنت مکان حسین ، ۱۳۹۲ «قلمرو اجرای مکانی و زمانی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، نشر میزان، ص ۲۱۱.
۳۰. همان، ص ۲۱۳.
۳۱. هنکرتززان ماری، دوسوالدبک لوئیس ، آلورمن کارولین ، دورمن کنوت ، رول باتیست، ۱۳۹۱ «حقوق بشر دوستانه عرفی»، مجد، تهران، جلد ۱، ص ۲۹.
۳۲. فانر تونی، ۱۳۹۲ «کنفرانس قم درباره اسلام و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه: توسعه و مفاهیم اساسی»، اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، میزان، ص ۱۳۹.
۳۳. هنکرتززان ماری، دوسوالدبک لوئیس ، آلورمن کارولین ، دورمن کنوت ، رول باتیست، ۱۳۹۱ «حقوق بشر دوستانه عرفی»، مجد، تهران، جلد ۱، ص ۲۹.

۳۴. هنکرتزژان ماری، دوسوالدبک لوئیس ، آلورمن کارولین ، دورمن کنوت ، رول باتیست، ۱۳۹۱ «حقوق بشردوستانه عرفی» مجله، تهران، جلد ۱، ص ۳۰.
۳۵. ممتاز، جمشید، نجفی اسفاد، مرتضی، ۱۳۷۹ «بررسی بحران کوزوو و حقوق بین‌الملل»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۱۳۲.
۳۶. پرست تاش وحید، ۱۳۸۹ «بحران استقلال کوزوو و نظام بین‌المللی» پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، شماره ۴۶، ص ۱۲۳.
۳۷. ممتاز، جمشید، نجفی اسفاد، مرتضی، پیشین، ص ۱۳۲.
۳۸. پرست تاش وحید، پیشین، ص ۱۲۵.
۳۹. همان، ص ۱۲۷.
۴۰. مدنی سیدضیاءالدین، ۱۳۸۸ «بررسی وضعیت حقوقی اشغالگران در عراق، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۸۶، ص ۸۶.
۴۱. جوانشیری احمد، ۱۳۸۸ «منافع ملی و مداخلات بشردوستانه: بررسی نظری و تجربی»، فصلنامه سیاست، شماره ۲، ص ۶۹.
۴۲. ذوالعین نادر، ۱۳۷۱ «تاثیر وقایع عراق در توسعه حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، ص ۱۹۴.
۴۳. موسی‌زاده رضا، مبینی جواد، ۱۳۹۱، « مداخله نظامی در لیبی (۲۰۱۱)»، فصلنامه علمی پژوهشی امنیت پژوهی، شماره ۴۰، ص ۱۳۵.
۴۴. جوانشیری احمد، نوروزی حسین، ۱۳۸۴ «شورای امنیت و تحول مداخلات بشردوستانه پس از جنگ سرد»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۹، ص ۳۰۵.
۴۵. جوانشیری احمد، ۱۳۸۸ «منافع ملی و مداخلات بشردوستانه: بررسی نظری و تجربی»، فصلنامه سیاست، شماره ۲، ص ۷۰.
۴۶. جوانشیری احمد، نوروزی حسین، ص ۳۰۳.
۴۷. جوانشیری احمد، ۱۳۸۸ «منافع ملی و مداخلات بشردوستانه: بررسی نظری و تجربی»، فصلنامه سیاست، شماره ۲، ص ۷۰.
۴۸. طباطبایی سیداحمد، میری حمید، ۱۳۸۴ «دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، مجله حقوق خصوصی، شماره ۹، ص ۳۶.
۴۹. جوانشیری احمد، پیشین، ص ۷۰.